



پاسخ معمای جنایت به خاطر تعصب کور

طناب بریده شده به سر سرگرد اصابت کرد و از سوی دیگر دختر جوان قد بلند بود. اگر او با طناب خودکشی می کرد، پایش به راحتی روی زمین قرار می گرفت. خانواده او برای اینکه ماجرای خفه کردن او فاش نشود این سناریو را طراحی کردند تا رد روی گردن باعث شک نشود. در معمای پلیسی گذشته ۱۵۸۹ نفر از خوانندگان تیش شرکت کردند که از این تعداد، ۵۴۷ نفر پاسخ صحیح دادند. از میان خوانندگانی که پاسخ صحیح دادند، سعید اکبری از تهران و حسین عباسی از اصفهان به قید قرعه برنده شدند.

# قتل برای سرقت مواد

پس از صدای انفجار، دود سیاهی از خانه قدیمی در انتهای کوچه به آسمان بلند شد. اهالی که از شنیدن صدای چهار وحشت شده بودند، خود را به خیابان رساندند. خانه قدیمی که از چند سال قبل به پاتوق معتادان تبدیل شده بود، در آتش می سوخت. یکی از اهالی که احتمال می داد، معتادانی در میان آتش گرفتار شده باشند، سریع با اورژانس و آتش نشانی تماس گرفت و درخواست کمک کرد.

دقایقی بعد خودروهای آتش نشانی آژیرکشان جمعیت زیادی را که در محل جمع شده بودند، شکافت و مقابل کوچه توقف کردند. عرض کوچه کم بود و خودروها نمی توانستند داخل شوند، به همین دلیل سریع شیلنگ های مخصوص شان را آماده کردند و با شکستن در وارد خانه شدند. مرد بیهوش در حیاط خانه افتاده بود. روی کمرش کمی آثار سوختگی دیده می شد. به نظر می رسید قصد داشته از خانه خارج شود اما موج انفجار او را بیهوش کرده است.

ماموران آتش نشانی او را از خانه بیرون آوردند و تحویل امدادگران اورژانس دادند. بعد هم به مهار آتش پرداختند. به دلیل این که وسایل زیادی در خانه نبود، شعله های آتش خیلی زود خاموش شد. ماموران به جست و جوی خانه پرداختند که با جسد مردی در یکی از اتاق ها روبه رو شدند که بدنش را دود گرفته بود. او را سریع از ساختمان خارج کردند اما کارشناس اورژانس با معاینه او اعلام کرد چند دقیقه ای از مرگش گذشته و نمی توان او را احیا کرد.

آتش نشانان در بررسی های اولیه، نشن گاز و انفجار آن را علت آتش سوزی تشخیص دادند. مامور کلانتری بعد از بررسی صحنه با بازپرس جنایی تماس گرفت تا دستور انتقال جسد را بگیرد که بازپرس دستور داد، صحنه حفظ شود و کارآگاه ویژه قتل موضوع را بررسی کند. عقریه های ساعت ۱۱ شب را نشان می داد که سرگرد خود را به نشانی اعلامی مامور کلانتری رساند. اهالی هنوز در محل جمع بودند و هر کدام روایتی از ماجرا داشتند. برخی هم از حادثه

وحیدشکری

تیش

شما خوانندگان عزیز برای ما بنویسید که سرگرد بعد از بررسی صحنه قتل و صحبت با دوست مقتول و بررسی صحنه چطور توانست راز قتل را فاش کند؟ اگر داستان را با دقت بخوانید متوجه می شوید. دودلیل برای افشای راز این پرونده را همراه با نام و نام خانوادگی به شماره ۳۰۰۱۱۲۲۴ پیامک کنید. هر هفته به دو نفر از کسانی که پاسخ صحیح بدهند، به قید قرعه کارت هدیه ۵۰ هزار تومانی اهدا می شود

خوشحال بودند و می گفتند؛ این باعث شد دیگر معتادان به این خانه نیابند. سربازی سر کوچه ایستاده بود تا اهالی به محل حادثه نزدیک نشوند. کل کوچه را آب برداشته بود. سرگرد وارد خانه شد و از همان جا تحقیقاتش را آغاز کرد و هر موردی را که به نظرش مهم بود، در دفترچه اش یادداشت می کرد. خانه ویلایی یک طبقه و قدیمی بود که سه اتاق ساختمان آن را تشکیل می داد. دیوارها سیاه شده بود. پزشک جنایی در گوشه حیاط در حال معاینه جسد بود. سرگرد سراغ او رفت. سوختگی روی بدن دیده نمی شد و مرد جوان فندکی را در مشتش داشت. دکتر نگاهی به کارآگاه انداخت و گفت: «الکی اینجا وقتتو تلف نکن باید کالبدشکافی کنم تا جواب بدم. جسد دود گرفته شده و به احتمال زیاد خفگی علت مرگش است. فردا گزارش را برایت می فرستم.»

کارآگاه از دکتر خداحافظی کرد و وارد ساختمان شد تا محل انفجار و آتش سوزی را بررسی کند. افسر کلانتری با دیدن سرگرد به سمت او آمد و گفت: «مالک این خانه چند سال قبل فوت می کند و دعوای ورثه باعث می شود خانه پاتوقی برای معتادان شود. چند طرح اینجا اجرا کردیم اما هر بار معتادان را دستگیر می کردیم دوباره به آنجا باز می گشتند. امشب دومعتاد اینجا بودند که خماری و نشنگی کار دستشان داد و باعث انفجار خانه و آتش سوزی شدند. یکی از آنها خفه شد و نفر دوم به بیمارستان انتقال یافت که

## انگیزه قتل چه بود؟

متهم به قتل درباره انگیزه اش از قتل گفت: من و سهیل دوستان صمیمی بودیم. روزها ضایعات جمع می کردیم و با فروش آن مواد می خریدیم. من مقداری مواد برای روز مبادا مخفی کرده بودم که اگر یک روز پول نداشتیم، مصرف کنیم. دیروز سراغ آن مواد رفتم اما نبود. فهمیدم سهیل آن را پیدا کرده و تنهایی کشیده است. خیلی عصبانی شدم و تصمیم گرفتم به خاطر این نامردی که در حقم کرده است، او را بکشم. به همین خاطر نقشه قتل را کشیدم و اجرا کردم.

الان خبر دادند به هوش آمده است. همسایه ها مورد مشکوکی ندیدند؟

نه با صدای انفجار گاز متوجه حادثه شده بودند.

سرگرد به بررسی صحنه پرداخت و با اجاق گاز کوچکی روبه رو شد که کنارش یک کتری افتاده بود. به نظر می رسید نشن گاز همین اجاق باعث انفجار شده بود.

او نتیجه بررسی ها در صحنه را در دفترچه اش نوشت و راهی بیمارستان شد تا از شاهد ماجرا تحقیق کند.

مرد جوان در حالی که سرمی به دستش وصل بود، روی تخت اورژانس دراز کشیده بود. سرگرد خودش را معرفی کرد. مرد جوان مثل فنر از جا پرید و نشست. سرگرد از او خواست راحت باشد و دراز بکشد. مرد جوان در حالی که به سختی نفس می کشید در تشریح حادثه گفت: «من و سهیل تو اون خونه زندگی می کردیم. شب ها وقتی کوچه خلوت می شد به اون جا می رفتم. امشب تو حیاط مشغول شستن لباس هام بودم که صدای انفجاری آمد و دیگر هیچی نفهمیدم. حدس می زنم کتری سر ریز شده و گاز را خاموش کرده بود. سهیل هم خواسته مواد بکشه، فندک زده و خونه منفجر شده است.»

پیش از این هم سابقه داشت، گاز نشن کند؟

یک بار این اتفاق افتاده بود اما زود متوجه شدم.

کارآگاه بعد از بازجویی از مرد مصدوم راهی خانه شد تا پس از تکمیل کردن تحقیقات، پرونده را به دادسرا بفرستد. حوالی ظهر روز بعد هم گزارش پزشکی قانونی آمد تا بتواند نتیجه تحقیقات را برای بازپرس ارسال کند. در گزارش پزشکی قانونی هم اعلام شده بود آثار ضرب و جرح روی جسد دیده نشده و در ریه اش فقط آثاری از کرونا ی خفیف دیده شده بود. به همین دلیل باید آزمایش سم شناسی انجام شود تا علت مرگ را مشخص کند.

کارآگاه شروع به نوشتن گزارش کرد که نکته ای باعث شد سریع پرونده را ببندد و راهی بیمارستان شود. مرد جوان ساعتی قبل مرخص شده بود و پیدا کردنش مثل یافتن سوزن در انبار کاه بود.

تنها جایی که به فکر سرگرد رسید، خانه سوخته بود. خود را به آنجا رساند و با میثم در حالی که کیسه ای روی دوش داشت روبه رو شد. او با دیدن سرگرد کیسه را رها کرد و از محل دور شد. کارآگاه تعقیبش کرد و با کمک اهالی میثم را به دام انداخت.

مرد جوان پس از انتقال به پلیس آگاهی هیچ راهی برای فرار از حقیقت نداشت و مجبور شد به قتل اعتراف کند.

## پایان

سرگرد با بررسی

صحنه آتش سوزی

و صحبت با دوست

مقتول به دو سرنخ

رسید. تمرکز او بر روی

همین دو سرنخ باعث

شد راز قتل فاش شود

## نتیجه

### آگهی مزایده

یک شرکت تولیدی در اصفهان در نظر دارد، حدود ۹۰۰۰ لیتر روغن ضایعاتی خود را از طریق مزایده به فروش برساند. متقاضیان می توانند با شماره ۰۲۸۰۳۷۶۰۸۷۰۱-۳۱ الی ۵ داخلی ۱۱۵ و ۳۳۳ تماس بگیرند.

### آگهی مزایده

یک شرکت تولیدی در اصفهان در نظر دارد، حدود ۲۸۰ تن ضایعات فولادی خود را از طریق مزایده به فروش برساند. متقاضیان می توانند با شماره ۰۳۱۰۳۷۶۰۸۷۰۱-۳۱ الی ۵ داخلی ۱۱۵ و ۳۳۳ تماس بگیرند.

کلیه اسناد شامل سند برگ سبز، سند کمپانی و کارت موتورسیکلت پاسار ۱۸۰ مدل ۸۸ رنگ نقره ای شماره موتور 87997902 شماره شاسی 8800484 شماره پلاک ۹۳۷۵۵-۵۸۱ به نام امید قاچاق مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.